



ECONOMY

اقتصاد

را افزایش دهد مگر این که به طور عمده دولت منابع را به سمت سرمایه گذاری هایی که از قبل صورت گرفته و نیازمند به سرمایه در گردش است ببرد که بنگاه های موجود بتوانند نیروی انسانی بیشتری بگیرند و اشتغالزایی شود و طبعاً رشد بیشتری هم پدید می آید.

نرخ تک رقمی بیکاری را چقدر واقعی می دانید؟ کلا آمارهای اقتصادی که این روزها منتشر می شود را چگونه ارزیابی می کنید؟

-آمارها البته نسبت به گذشته بهتر شده است ولی آمارها دوجور ارائه می شود. یک وقت است که مطابق نرم های جهانی و نرم های رسمی خود ماست. آن ها پذیرفتنی است. مثل نرخ تورم سالانه. اما نرخ تورم نقطه به نقطه در هیچ جای جهان پذیرفته نمی شود که بگوییم تورم نقطه به نقطه ما ۴۵ درصد بود و الان ۱۴ درصد شده است. هیچ کجای جهان این را به رسمیت نمی شناسند.

البته فکر می کنم این اصطلاح را آقای احمدی نژاد در افواه انداختند...

-بالاخره این دولت هم دارد استفاده می کند. باید این دولت مطابق نرم ها عمل کند بگوید که نرخ تورم ما نزدیک به ۴۰ درصد بود و الان به ۱۶ درصد رسیده است. این مقبول است. یا در مورد نرخ بیکاری گزارشی را معاون وزارت کار، تعاون و رفاه اعلام کرده اند که ۷ میلیون بیکار داریم. یعنی بیکار نیستند، بلکه بیکاره اند، به عبارت دیگر متقاضی شغل نیستند. جوانهایی هستند که ول می گردند. اگر هم کاری به آنها عرضه کنید، قبول نمی کنند. زندگی شان هم تامین است یا از راه هایی تامین است که شاید قابل قبول هم نباشد ولی بالاخره ۷ میلیون بیکاره داریم. شاید این را جزو آمار نیآورده اند که می گویند نرخ بیکاری ۹/۵ درصد است. این نکته هم هست که در تولید آمار مربوط به اشتغال باید اشتغال نسبت به متقاضیان کار بررسی شود. در آنجا این نرخ قابل قبول است. ۹/۵ درصد از کسانی که متقاضی کار هستند و بیکارند این می شود نرخ بیکاران ما، اما اگر کسانی هستند که بیکارند ولی متقاضی کار نیستند، چطور؟ فرهنگ بدی ایجاد شده است، آن ها را نباید شاغل تلقی کرد.

من احتمال می دهم بخشی از بیکاره ها همانهایی هستند که بایک حداقلی در روستاها زندگی شان تامین می شود. کارگر روستا بوده اند و این حداقل را از طریق یارانه ها تامین می کنند و نیازی به اشتغال نمی بینند. حالا چه اشتغال در زمین یا پشت دار قالی یا هر جای دیگری و تعبیر به بیکاره شده اند و البته منحصر به آنها هم نیست.

گفته می شود که مرکز آمار اگر کسی حتی چند ساعت در هفته کار می کند را نیز جزو آمار افراد شاغل حساب می کند...

-ما نرم های جهانی را برای ساعات کار باید بپذیریم. این نرم جهانی است که اگر کسی در هفته دو ساعت شاغل باشد و زندگی اش تامین شود، [بیکار نیست] بعضی ها هستند که دلالی می کنند و در هفته دو ساعت کار می کنند. در این صورت زندگیشان را تامین کرده اند. این را شاغل می گویند و نرم جهانی است.

ما همین نرم جهانی را قبول می کنیم ولی آیا مناقشه ندارد، آیا نرخ ۹/۵ درصد برای کشوری که می خواهد در سال ۱۴۰۴ در منطقه جایگاه اول اقتصادی را داشته باشد، نرخ دلگرم کننده ای است. در همین منطقه نرخ ۳ و ۴ درصد بیکاری را داریم. پس فاصله زیادی با جایگاه اول منطقه داریم.

***نظرتان درباره انسجام تیم اقتصادی دولت و این که حرف آخر را چه کسی می زند، چیست؟**

-البته تقریباً یک نوع هماهنگی را بین سه نهاد وزارت اقتصاد، سازمان مدیریت و برنامه ریزی و بانک مرکزی می بینیم. مشاور اقتصادی دولت، آقای دکتر نیلی را هم داریم که ظاهر باید حرف آخر را در مسائل اقتصادی ایشان بزنند. تفاوتی هم بین دیدگاه های ایشان و بقیه شاید باشد گرچه تفاوت جدی نیست.

برای این که آن محصول دانش بنیان را تولید کنند و اشتغال ایجاد شود. دو بند از سیاستها مربوط به کار آفرینی می شود. الان ۲/۵ میلیون نفر جوان تحصیلکرده بیکار هستند که اگر به آنها یک آموزش کوتاه مدت کار آفرینی بدهیم و ۱۰ درصد آن ها را کار آفرین بار بیاوریم، می توانند به میدان بیایند و همه آنچه را که واردات داریم و می توانیم مشابه آن را در داخل تولید کنیم، تولید کنند.

ما می خواهیم در ادامه مصاحبه به نقد عملکرد اقتصادی دولت بپردازیم. یکی از سیاستهای اصلی دولت بحث کنترل تورم بوده است. این سیاست را چگونه ارزیابی می کنید. بعضی ها معتقدند که دولت در این راستا به سرکوب قیمت تولید کننده دست زده است، چقدر با این دیدگاه موافقت می کنید؟

-ظاهر دولت دخالتی در قیمتها ندارد. سعی کرده است خودش را از قیمت گذاری کالاها و بخش خصوصی کنار بکشد. از این جهت تغییر سرکوب قیمتها معنی ندارد ولی دولت توانسته مهار تورم را دنبال کند گرچه مهار تورم معلول عوامل متعددی است، یکی از آن اقدامات دولت است. یکی از عوامل مهار تورم، خودرکود است. رکود تورم را مهار می کند. پس سهمی را باید به رکود داد و سهمی مربوط به امید است که در جامعه بعد از انتخابات ریاست جمهوری پدید آمد. این امید، انتظارات تورمی را کاهش داد.

دامن زدن به تورم در اثر بالا بردن تقاضا را کاهش داد. سهمی از کاهش تورم نیز متعلق به کنترل رشد نقدینگی در کشور است که از سوی دولت صورت گرفته بود ولی اکنون من از این بابت نگرانم چرا که رشد نقدینگی مجدداً از طریق تزریق پول به دلیل این که دلارهای نفتی تبدیل به ریال می شود، در آینده خودش را نشان بدهد. معتقدم که دولت باید رشد نقدینگی را مهار کند. گزارش بانک مرکزی مبنی بر رشد ۳۱ درصدی نقدینگی طی یک سال اخیر نشان دهنده پدیده نگران کننده است. رشد نقدینگی ما طی یک سال باید زیر ۲۰ درصد باشد تا هم انقباضی عمل نکرده باشیم و هم موجب رشد تورم نشود. ضمناً دولت نتوانسته منابع جدیدی را که به دست می آورد به سمت تولید هدایت کند و سرمایه در گردش بنگاه هایی که زیر ظرفیت کار می کنند را تامین کند. اگر این کار را کرده بود، این بنگاه ها فعال می شدند و جذب نیرو می کردند و تولیدات بیشتری را روانه بازار می کردند و نیاز به واردات مواد اولیه بیشتری داشتند اگر سری به شهرکها بزنید معلوم است که همه این ها محقق نشده است.

تحقق رشد ۴ درصدی اقتصادی را قبول دارید؟

-من قبلاً اظهار نظر کرده ام. رشد ۴ درصدی رشد مثبت نسبت به سال ۹۰ نیست بلکه رشد مثبت نسبت به آغاز سال ۹۲ است که ۸ پله افت کرده بودیم. از آن نقطه افت، ۴ پله بالا آمده ایم. یعنی اگر منحنی رسم کنیم، منحنی نشان می دهد که رشد سال ۹۲ ما منفی ۶/۸ درصد و سال ۹۳ اندکی بهبود پیدا کرده است.

یعنی معتقدید که رشد اقتصادی نسبت به سال ۹۰ منفی است؟

-بله، نسبت به سال ۹۰ رشد اقتصادی منفی داریم. هیچ کسی نمی تواند ادعا کند که نسبت به سال ۹۰ رشد اقتصادی مثبت وجود دارد.

فکر می کنید که رشد ۴ درصدی را بشود مبنایی برای آن قرارداد که از رکود خارج شده ایم؟

-ما وقتی می توانیم ادعا کنیم که از رکود خارج شده ایم که آنچه در دو ساله ۹۱ و ۹۲ پدید آمده است را جبران کرده باشیم. آن وقت از رکود خارج شده ایم و گر نه هنوز مایک بازه زمانی در رکود داریم.

یکی ورود به رکود و دیگری خروج از رکود. مادر حال جهت گیری به سمت خروج از رکود هستیم.

کلمات را باید به دقت به کار برد. از این جهت مثبت است ولی خیلی آثار خود را نشان نمی دهد. اشتغال را بالا نبرده است. حتی تا اواسط سال آینده هم نمی بینیم که بتواند اشتغال

به انجمن های محله، شهر، روستا و غیره بگوید که لیست نیازمندان را به ما بدهید، فوری به شما لیست می دهند. ثانياً ممکن است کسانی شخصیتشان طوری باشد که نشان دهند ثروتمند هستند و ما آنها را جزو اغنیا تلقی کرده ایم در حالی که فی الواقع فقیرند. آیا نمی توانند محرمانه اطلاعات مربوط به خودشان را به این دو نهاد بدهند و آن ها را شناسایی و بررسی کنند. اتفاقاً فقرایی که برای رفع فقر خودشان انگیزه خواهند داشت، بیشتر در معرفی جدی خواهند بود.

بیم دیگر آن است که با مسئله مشابه ثبت نام برای دوره دوم هدفمندی مواجه شویم. یعنی با افرادی که برای ثبت نام بیایند، بدون آن که استحقاق گرفتن یارانه را داشته باشند و ما مجبور به اتخاذ راهکاری برای شناسایی درست تر افراد شویم.

-این ثبت نام در دو نهاد بهزیستی برای معلولان و سالمندان و امثال آن ها و کمیته امداد برای نیازمندان است. به نظر شما چند درصد می آیند در این دو نهاد ثبت نام کنند.

اگر منوط به این دو نهاد باشد، درست می فرمایید.

-پس فکرهایش را کرده ایم. البته این اراده سیاسی لازم دارد و من این اراده را در دولت نمی بینم. چون هدفمندی یارانه هایک جراحی اقتصادی بود و این کار نیز یک جراحی اقتصادی دیگر است.

من معتقدم اگر به مردم بگوییم که با این کار وابستگی درآمد عمومی دولت به نفت را به صفر می رسانیم و اهرم فشار را از ناحیه کشورهای ۵۰+ بر ایران کنار می زنیم، بیایید کمک کنیم این ۴۵ هزار و ۵۰۰ تومانی که برای افراد متوسط به بالای جامعه فایده ای ندارد و در مقابل درآمد دو یا سه یا ۱۰ میلیونی چیزی به حساب نمی آید، این را کنار بگذارید. ما می خواهیم این را جمع کنیم و از وابستگی به نفت کشورمان را برای همیشه خارج کنیم، یقیناً رضایت خاطر خواهند داشت. ضمناً نگرانی دولت آن است که برای انتخابات بعدی ریاست جمهوری احیاناً به هواداران دولت در انتخابات بعدی مجلس رای ندهند، یقیناً این طور نخواهد بود چون برکات و آثاری دارد که با چشم قابل رویت است.

مردم می بینند که درآمد نفت ما به سمت توسعه کشور رفت و وابستگی ما از بین رفت. می بینند که اهرم های فشار دشمن خنثی شد بنابراین معتقدم اگر عزم دولت و مجلس روی این بیاید، می تواند مشکل را حل کند.

اینجا تضمین و ضمانت اجرای قانون چیست؟

-دولتی که معتقد است باید به قانون است و از اول گفته که این دولت قانونمدار است، چرا این قانون قطعی و مصوب مجلس را به اجرا در نیآورده است. به دلیل ملاحظاتی که ما اسم آن را سیاسی می گذاریم.

همیشه در کارهایی که نیازمند یک تغییر جدی است در کل اقتصاد دنیا دولت هایی که ملاحظات سیاسی و اجتماعی داشته باشند، مانع تغییر می شوند و تحول و رشد را کند می کنند ولی اگر این ملاحظات را کنار بگذارند که برخی از دولت ها به صورت استثناً چنین کاری را کرده اند، رشد سریعی پیدا کرده اند.

یک بحث دیگر آن است که بودجه را به سمتی ببریم که از سایر درآمدها مثل صادرات برق و غیره انتفاع داشته باشد، سوال این است که آیا می توانیم به سمت پیدا کردن درآمدهای جایگزین دیگری به جای نفت در بودجه نیز باشیم؟

-حتماً، سیاستهای اقتصاد مقاومتی بندهای متعددی دارد که راهکارهای جایگزینی را معرفی می کند که اقتصاد ما رشد یابنده و پویا و با کاهش وابستگی ها باشد. یک مورد اقتصاد دانش بنیان است که مراکز پژوهشی کشور را بسیج کنیم. صندوقی در حمایت از آن ها داریم که منابع را در اختیارشان بگذاریم که اگر ریسک و خطا کردند، جبران کنیم و این ها به سمت تولیدات دانش بنیان بروند.

این موجب می شود که تمام تحصیلکرده های ما در رشته های فنی مهندسی، پزشکی و مانند آن به خوبی به کار گرفته شوند

